رسانه و سینما

محبوب آقای دلهره ۱۶
آفساید در قزوین ۱۷

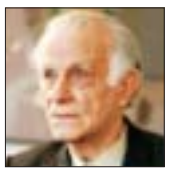

ادبیات و کتاب

صد سال تنهایی ۱۸
معماری پس از مشروطه ۱۹

حکمت و اندیشه

خرد رندانه ۲۰
قطعات پیشاسقراطی ۲۱

تاریخ مشروطه

مدرنیسم منهای آزادی ۲۲

رسوایی‌های بشر

درباره براد هلند، تصویرساز و کاریکاتوریست

یحیی تدین

براد هلند (Brad Holland) در میان تصویرسازان جهان و همزمان در حوزه هنر گرافیک و کارتون از محبوبیت و اعتبار فراوانی برخوردار است. اگرچه از او به عنوان کارتونیست یاد می‌شود اما قسمتی از این محبوبیت به خاطر تصویرسازی‌های تاثیرگذار و قابل تحسین اوست که در بسیاری از آنها از سیاست‌های دولت آمریکا به تلخی یاد کرده و عملکردهای آنان را به باد انتقاد گرفته است. علاوه بر این ویژگی شخصیت سندیکایی «براد هلند» نیز در برخورد و سازماندهی و در تقابل با همه جریاناتی که می‌خواهند به حقوق صنفی و قانونی هنرمندان صدمه وارد آورند از او چهره‌ای جنجالی و معترض ساخته است. براد هلند بارها به دیگر هنرمندان یادآوری کرده است که باید از طریق ایجاد راهکارهای مناسب دست مافیاهای قدرت را از حوزه‌ها و مناصب حساس هنری دور کنند.

براد هلند، شصت و سه سال پیش در آمریکا به دنیا آمد. در کودکی خانواده‌اش به آرکانزاس نقل مکان کردند، در جوانی مدتی را در یک سالن خالکوبی در شیکاگو مشغول کار شد، و حوالی سال ۱۹۶۰ برای همیشه به نیویورک نقل مکان کرد؛ شهری که بعدها همکاری‌اش را با روزنامه نیویورک تایمز از آنجا آغاز کرد و به دنبال آن با سایر مطبوعات که شاخص‌ترین آنها نشریه معروف پلی بوی بود ادامه داد. علاقه هنرمند مصری‌الاصل؛ سوارس[1] به کارهای او که وی در آن زمان مسئولیت صفحه سردبیر[2] را در نیویورک تایمز به عهده داشت فرصتی به او داد تا آزادانه استعدادهای خود را از همان ابتدای کار یعنی سال ۱۹۷۲ به نمایش گذارد.

اکثر آثار براد هلند به مواردی مثل سیاست و بحران‌های اجتماعی اشاره دارد. از نظر محتوا و استیل کار نیز متد او در دو مقوله اصلی خلاصه می‌شود؛ فریبندگی و طنزنگاری. او روش نسبتاً ساده‌ای برای ارائه کارهایش دارد که در عین حال منحصر به فرد است. تصاویر او از توده‌هایی دودمانند شکل می‌گیرند، قهرمانان او چهره‌ای مه‌آلود دارند که به نظر می‌رسند از میان تاریکی‌ها به سوی روشنایی در حرکتند؛ موردی که در بعضی از آثار هنرمندان سبک باروک همچون رامبراند هنرمند پرآوازه هلندی قابل مطالعه است.

در آثار براد هلند بیشتر از هر چیز سوژه اصلی یا قهرمان را می‌بینیم که از نگاه هنرمند به زیر ذره‌بین رفته است. در این قالب او کمتر به حواشی کار و جزئیات می‌پردازد. آثار براد هلند بیننده را مستقیماً وارد اصل ماجرا می‌کند. کاراکترهای او معمولاً هیبتی غول‌آسا دارند که در یک فریم با کادری دقیق خلق شده‌اند. در این مسیر چندان به جزئیات توجه نمی‌شود و از ریزه‌کاری‌ها و طرح مسائل حاشیه‌ای نیز خبری نیست.

براد هلند در طول زندگی هنری خود به جوایز بسیاری دست یافته است که از آن جمله می‌توانیم به جایزه هامیلتون هینگ[3] به خاطر اثری به نام «من جداً جدا زاده شدم» (I'm Coming Apart)، اشاره کنیم، در این اثر بیننده شاهد پیکر مرد بلندقامتی است که برهنه ایستاده است در حالی که اعضای بدن او با فاصله از هم جدا شده‌اند و این جدایی با یک نوع کشیدگی عضلات نیز همراه است.

چاپ مجموعه‌ای از آثار براد هلند در کتابی موسوم به «رسوایی‌های بشری» (Human Scandals) در سال ۱۹۷۵ که همگی با قلم و مرکب رسم شده‌اند برای او اعتباری جهانی کسب کرد. هنرمند در این مجموعه به دفاع از آزادی‌های مدنی و حقوق فردی پرداخته و ظلم و ستمی را که بر افراد بشر تحمیل می‌شود به شکلی تراژیک بازگو می‌کند.

براد هلند بارها نسبت به فرهنگ مصرفی و ابتذال هنری که فرهنگ عامه را تهدید می‌کند واکنش نشان داده و اعتراض خود را اعلام کرده است. او در این باره به صراحت گفته است: «در آمریکا حقیقتاً فقط یک هنر محبوب وجود دارد و آن سینما است. بیشتر مردم نقاشی را یک سرگرمی و ادبیات را یک تکلیف مدرسه به حساب می‌آورند.»[4] البته در این گفته براد هلند همچون آثارش نوعی فریبندگی و طنز وجود دارد ولی نمی‌توان به تسلط این رشته از هنر بر تفکر عامه مردم کشورهایی که ثروت و سرمایه در آنجا حرف اول را می‌زند بی‌توجه بود. در هر صورت جامعه فراصنعتی و مصرف‌گرای آمریکا برای تحمیل تولیدات خود نیاز به بستری مناسب دارد که باید از نگاه صنعت سینما به آن پرداخت و مخاطبین آن را نیز با آنها مأنوس و آشنا کرد.

براد هلند نسبت به استفاده از حروف و کلمات در آثارش تعلق خاطر خاصی ندارد و یا به روایتی او به ندرت در کارهایش از متن استفاده می‌کند، به همین دلیل غالب آثار او بدون کلام است. براد هلند اعتقاد دارد که تصاویر باید به خودی خود پیام لازم را منتقل کنند و بر این اساس ضرورتی ندارد که با دخالت هنرمند و اضافه کردن چیزهای غیرتصویری که به ترکیب‌بندی اثر مربوط نمی‌شوند بخواهیم به نتیجه مطلوب برسیم و کل مسئله را به صورت تزریقی یکجا به تماشاگر القا کنیم. از موارد دیگری که در آثار این هنرمند قابل توجه است پرداختن به مسائل روحی و احساسی شخصیت‌های آثار اوست. بیننده با نگاه به کاراکترهای براد هلند به طور ناخودآگاه به یک حس ترحم و نزدیکی میان خود و شخصیتی که او خلق کرده است می‌رسد.

خود او در این باره با انتقاد به پست مدرنیست‌ها در مورد رابطه احساس و حقیقت می‌گوید...

پست مدرنیست‌ها اعتقاد دارند که حقیقت افسانه‌ای بیش نیست و افسانه نیست جز حقیقت... در واقع این، ریشه در روحیات عامیانه ما هم دارد. همین مردم اعتقاد دارند که احساسات نیز شکلی از واقعیات است. در واقع این اسامی دیگری برای آنهاست... این ادعا می‌تواند جنون‌آمیز باشد.

با گذر از این مقدمه به گفت‌وگوی کوتاهی اشاره می‌کنم که حدود دو سال قبل با او انجام دادم و حیفم آمد آن را منتشر نکنم. این گفت‌وگو اگرچه کوتاه است ولی به نظرم حاوی نکات ریزی است که می‌تواند به علاقه‌مندان هنر تصویری و دوستداران این هنرمند کمک کند تا با نحوه تفکر او بیشتر آشنا شوند. در آن زمان من می‌توانستم گفت‌وگوهایم را با او ادامه دهم ولی به علت اختلاف سلیقه‌ای که میان دیدگاه‌های ما به وجود آمد متاسفانه این ارتباط قطع شد و با آن که تلاش کردم مجدداً با او ارتباط برقرار کنم اما موفق نشدم. این گفت‌وگوها از طریق ای‌میل و به طور مستقیم با او انجام گرفته است. گاهی پاسخ براد هلند بلافاصله به من رسیده و گاهی نیز با فاصله چند روز...

در این جا گفتن این مطلب شاید ضروری باشد که وی علاوه بر غنای هنری و کیفیت ممتاز آثارش به شدت علاقه‌مند به طرح مسائل و مبانی تئوریک راجع به مقولات هنری است. او سخن گفتن را به شدت دوست دارد و با ارائه دیدگاه‌های جنجالی خود مدعیان نظریه‌های هنری را به چالش می‌کشد. گفت‌وگوی او با میلتون گلیزر نمونه جالبی از تقابل نظریه‌های او با سایر هنرمندان است.

براد هلند اگرچه تحصیلات آکادمیک رشته‌های هنری را طی نکرده است و همیشه از او به عنوان هنرمندی خودآموخته یاد می‌شود لیکن در ارائه دیدگاه‌های خود چیزی کم نمی‌آورد و از نظریات او در حد یک استاد رشته هنرهای تجسمی استفاده می‌شود.

■■■

■من کارهای شما را در سایتی که به نام شما ثبت شده است دیدم. آنها بسیار زیبا بودند. به این منظور اجازه بدهید در رابطه با کارهایتان گفت‌وگویی با هم داشته باشیم.

از بابت ای‌میل شما و ابراز علاقه‌تان به کارهایم متشکرم. من خوشحال خواهم شد تا با شما گفت‌وگویی داشته باشم. لطفاً هرگونه مایلید سئوال بفرمایید.

■کارهای شما را در نیویورکر نمی‌بینم. تصور می‌کنم ترجیح می‌دهید با نشریه نیویورک تایمز یا پلی بوی همکاری کنید. چرا؟

در سال ۱۹۸۰ من دو روی جلد برای نیویورکر کار کردم. در آن زمان آنها معمولاً روی جلدهایشان را با کارتون یا تصاویری به چاپ می‌رساندند که از لحنی شاد و روشن بهره‌مند بودند. کارهای من تصور می‌شد که بسیار سیاه و تاریکند به این خاطر بعضی از خواننده‌ها اعتراض داشتند. از آن زمان تاکنون نیویورکر توسط یک کمپانی انتشاراتی غول به نام «کاند ناست» خریداری شده و اداره می‌شود. هر چند در حال حاضر آنها از صفحات هنری بسیاری استفاده می‌کنند لیکن در مبحث بستن قرارداد با طرف قرارداد یعنی هنرمندان خوب عمل نمی‌کنند.

■لطفاً درباره کیفیت و تفاوت سبک کارهایتان با هنرمندانی مثل استاینبرگ توضیح دهید.

وقتی کودک بودم تصورات یک کارتونیست همراه من بود و بیشتر از همه تحت تاثیر «رونالد سیرل» قرار داشتم. اما من به طور غریزی علاقه‌مند بودم ایده‌های خودم را نقاشی کنم تا آنکه بخواهم آنها را به شکل کارتون درآورم. در آن زمان از این موضوع متاسف بودم ولی این یک اشتباه بود. اجرای طرح‌های طنزآمیز سیاه به قدرت و توانایی بسیاری احتیاج دارد. از آن زمان تا حال بسیاری از ایده‌های من کارتون‌هایی بودند که در آنها هیچ چیز خنده‌آوری وجود نداشت و این به نظر می‌رسید همان راه درستی بود که می‌بایست به انجامش برسانم.

اولین مدیر هنری که به این درایت رسید که من چگونه کار می‌کنم و فهمید که بهتر است به چه سبکی ادامه دهم «آرت پل» (Art Paul) بود. در آن زمان پلی بوی تیراژی حدود ۸ میلیون داشت. تعداد بسیاری از مردم امکان پیدا کردند تا کارهای مرا ببینند. آنها به تدریج به مشی کارهای من نزدیک شدند و به آن چیزهایی که انجام می‌دادم احساس نزدیکی کردند.

■کارهای قدیم شما بیشتر سیاه و سفید بود و اغلب با مرکب و قلم فلزی تصویر شده بودند؛ دایناسورها، جنگ خاورمیانه، واترگیت و... آیا هنوز هم به این سبک کار علاقه‌مند هستید؟

بله، من هنوز کارهای سیاه و سفید خودم را دوست دارم و هنوز هم به آن سبک کار می‌کنم، و البته هنوز بیشتر از گذشته مایلم به همان سبک کار کنم به شرطی که جایی باشد که به طور مرتب آنها را به چاپ برساند. به هر حال فکر نمی‌کنم آنها فقط به دوره‌ای تعلق داشته‌اند که من تنها به شیوه‌ای کاملاً مشخص متمرکز شده باشم. در ابتدا هنگامی که کار با مرکب را شروع کردم آن موقع کمتر از سایه زدن استفاده می‌کردم. من عادت داشتم از مداد استفاده کنم. برای همین برای مدتی من مرکب را برای رنگ‌آمیزی کارهایم استفاده می‌کردم و آنجا بود که تلاش کردم خطوط کارهایم را با رنگ و بوی دیگری به کار بگیرم. اما حالا مرکب را برای خود مرکب (طراحی) استفاده می‌کنم. این روش تاثیرگذارتر است و خطوط آن نیز برنده‌تر.

پی‌نوشت‌ها:

1- Jean-Claude Suares
2- Op-Ed Page
3- Hamilton King
4- In America, the only truly popular art form is the movies. Most people consider painting a hobby and literature, schoolwork.

کاریکاتور

«هلند» در پنج بند

حسن کریم‌زاده

۱- براد فورد هلند، متولد ۱۹۴۳ در ایالت اهایوی آمریکا است.

۲- از دوران کودکی، نشریات و کتاب‌های کمیک را جمع کرده و گه‌گاهی خود نیز دست به قلم می‌برد و تصاویری هرچند ابتدایی خلق می‌کرد. می‌گوید: «مادرم چندان علاقه‌ای به نقاشی‌های پراکنده‌ام نشان نمی‌داد و مدام به من می‌گفت که داشتن سرگرمی خوب است، اما تو باید راه و روش زندگی درست را در این دنیا بیاموزی»!

براد فورد پانزده ساله، نخستین ضربه روحی را هنگامی خورد که ـ تحت تاثیر برنامه‌های تلویزیونی کمپانی «دیسنی»- آثارش را برای آنها فرستاده و جواب منفی کمپانی را مبنی بر اینکه «میکی ماوس به تو نیاز ندارد» دریافت کرده بود. اما این پاسخ سبب نشد که براد فورد راه دیگری را برای آینده خود برگزیند. او در سال ۱۹۶۰ پس از مدتی کار در یک کارگاه خالکوبی در شیکاگو و یک سال اقامت در کانزاس سیتی به نیویورک رفت و در آن جا ماندگار شد. از ۲۴ سالگی به صورت حرفه‌ای با روزنامه‌های «اسکریو»، «راد» و «نیویورک ایس» شروع به کار کرد. «آوانگارد»، «پلی‌بوی» و «اور گرین ریویو» نیز از نشریاتی بودند که در نوبت بعد، افتخار بهره‌جویی از آثار او را به خود اختصاص دادند. کارهای منتشرشده هلند، نظر سالیس بوری - سردبیر نیویورک تایمز - را به خود جلب کرد، تا آنجا که در یکصدوبیستمین سال انتشار این روزنامه، با راه‌اندازی صفحه‌ای به نام «آپ - اد» از او دعوت به همکاری کرد. این صفحه، علاقه و توجه فوق‌العاده‌ای در میان اقشار مختلف به وجود آورد، آن هم در زمانی که این روزنامه به غایت سنت‌گرا بود و انتشار توانایی‌های کاملاً جدید هلند و استقبال از آنها بعید به نظر می‌رسید. اعتبار کارهای جدید او باعث شد تا نشریات معتبر دیگری چون «نیویورکر»، «تایم»، «نیوزویک» و «آتلانتیک مانتلی» به لیست خریداران آثارش بپیوندند. مجله تایم در روی جلد یکی از شماره‌های سال ۱۹۸۱ خود، طرحی از او را که به چهره یکی از شخصیت‌های سیاسی روز اختصاص داشت منتشر کرد که سبب شد براد هلند به عنوان مرد سال انتخاب شود. در همان زمان بود که موسسه انتشاراتی «تی. وای. کروول»، نخستین مجموعه آثار او را با نام «افتضاحات بشری» منتشر کرد که انقلابی بود در عرصه هنر کاریکاتور و تصویرسازی سیاسی.

۳- نیروی تخیل هلند از قیدوبندهای معمول رهاست، گویی او با چشم سومی که در چهره‌اش پنهان کرده، زوایای نامکشوفی از جهان را می‌بیند و لمس می‌کند که ما روزانه فقط خبرهای آن را از خبرگزاری‌های مختلف می‌شنویم و فراموش می‌کنیم. براد فورد از نخستین طراحانی است که مفهوم هنر مطبوعاتی را از طرح‌های تزئینی به طرف طرح‌هایی سوق داد که به دنبال نافذتر ساختن افکار و اندیشه‌های روز در ذهن مخاطبان و نیز حساس‌تر کردن نویسندگان نسبت به شکار مفاهیم نو و وسیع بود. هلند با نگاه بشردوستانه‌اش، غالباً در پی خلق فضاهایی دلهره‌آور و هراس‌انگیز بوده تا هرچه بیشتر عمق فجایع و رخدادهای غیرانسانی را افشا کند؛ فقر، اعتیاد، ایدز، سلاح‌های کشتارجمعی، مناقشات سیاسی، فحشا، جنگ‌های نابرابر و وقایع بعد از آن و به طور کلی بحران‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی سوژه‌هایی هستند که دائماً با آنها دست و پنجه نرم می‌کند. می‌گوید: «اینها از ناخودآگاه من سر می‌زنند، همانند قطعه‌ای موسیقی که از اتاق دیگری به گوشتان می‌رسد. گاه، بدون قصد، آن را می‌شنوید و ساعتی بعد، ناخودآگاه آن را زمزمه می‌کنید. هنر، همین است.» منتقدان معمولاً هلند را یک تصویرساز می‌دانند، اما موضوعات مستقل و بکر، او را از مرز یک تصویرساز صرف فراتر برده و به یک کاریکاتوریست سیاسی صاحب سبک در عالم مطبوعات تبدیل کرده است، به طوری که نشریات معتبر آمریکایی گوی سبقت را در استفاده بیشتر از آثار او برای اعتبار بخشیدن به مطالب خود از هم ربوده‌اند.

۴- شهرت تکنیکی هلند، بیشتر به سبب کارهای سیاه و سفید اوست که برای مطبوعات اجرا کرده است؛ آثاری که با قلم فلزی و مرکب چینی در حال و هوای کارهای سوررئالیستی به تصویر کشیده می‌شوند، هاشورهایی که از همه جهات - به قصد ایجاد عمق و بعد، و نهایتاً وحشت و ترس - به سمت عناصر کارهایش هجوم می‌آورند. غالباً منبع نور کارهایش را - آگاهانه و هوشمندانه - بالا و سمت چپ انتخاب می‌کند که براساس اصول بصری، رعب، اضطراب و تزلزل را القا می‌کند. ابرهایی که در گوشه و کنار آثار او یافت می‌شوند و آبستن رعد و غرش برق هستند نیز به القای این حس کمک می‌کنند. براد فورد اخیراً به کارهایی رنگی رو آورده است که در یک نگاه بی‌شباهت به عظمت کارهای پوسترسازان برجسته لهستانی نیستند. این روش نه تنها لطمه‌ای به اندیشه‌های منتقدانه او نزده، که همان هاشورهای منسجم و نورپردازی کارهای سیاه و سفیدش را با ضربات قلم مو و اکریلیک تداعی کرده و نهایتاً فضایی سیاه و دهشت‌بار را به ما می‌نمایاند که تنها از عهده قلم پرقدرت هلند برمی‌آید و بس.

۵- نشریات نامدار آمریکایی در ستایش آثار و شخصیت براد هلند، نام او را با القاب و عناوین وسوسه‌برانگیزی هم چون «ستاره بی‌چون‌وچرای تصویرسازی»، «طراح خودمختار و رک»، «بزرگترین هنرمند سیاسی»، «هنرمندی مافوق زمان» و «ایستاده بر بام جهان» همراه می‌کنند. هنرمند ۶۳ ساله ما، هم‌اکنون در نیویورک به فعالیت فرهنگی و تبلیغاتی اشتغال دارد و از نظر شهرت و اعتبار به کمپانی دیسنی دهن‌کجی می‌کند!